

■ **دوشنبه ۲۳ اسفند ماه ۱۴۰۰**

■ **سال دوازدهم - شماره ۲۴۶۲**

سپهرغرب، گروه شهر: شهر اسلامی تمام ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را تابع نظام فرهنگی و ایدئولوژی می‌داند، بنابراین فقط توجه به وجود گنبد‌ها و مناره‌ها یا مساجد در یافت آن نمی‌تواند به معنی اسلامی بودن شهر باشد، زیرا مظاهر تمدن اسلامی آن نمود دارد و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است.

شهر زیستگاه آدمیان و خواستگاه مدنیت است که بستر زندگی اجتماعی افراد تلقی می‌شود و به همین دلیل دانشمندان بسیاری به این موضوع مهم پرداخته‌اند؛ شهر اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که مسجد، مناره‌ها و میدان، بازار از جمله مؤلفه‌های آن محسوب می‌شود و این عناوین در کنار یکدیگر فضای شهر اسلامی را ترسیم می‌کند.

در شهر اسلامی باید مضامین اسلام به شیوه صحیح عناصر و جزئیات کنار هم قرار گیرد تا به ساختاری اسلامی برسد؛ شهر اصفهان در این زمینه طی اعصار و قرون گذشته بسیار پیش‌تاز بوده است و همچون نگینی بر انگشت‌ر ایران می‌درخشد و با بهره‌گیری از فرامین و شالوده‌های اصلی توانسته است یک شهر اسلامی باشد.

ساختار محله‌بندی قدیمی شهر اصفهان که متکی بر ریشه‌های اجتماعی و بسیار منسجم است، با توجه ویژه به سلسله مراتب فضایی از بازرترین ویژگی شهر اسلامی است؛ در این شهر بازار یکی از عناصر بارزی است که روابط کالبدی و اجتماعی را تقویت می‌کند و انسجام و پویایی شهر را افزایش می‌دهد و نشانه‌های مشترک شامل فضاسازی‌ها، ارتباطات کالبدی و بصری و تزئینات متأثر از آموزه‌های دین مبین اسلام، قابل مشاهده است.

در این ارتباط به‌منظور بررسی ابعاد کالبدی و شاخصه‌های اصلی شهرهای اسلامی، گفت‌وگویی با میلاد حیرانی‌پور، استاد دانشکده معماری دانشگاه کردستان انجام داده‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

شاخص‌های شهر اسلامی چیست؟

شاخص‌های اصلی شهر اسلامی مسجد محوری، درون‌گرایی، محله‌محوری و طبیعت‌گرایی است. مسجد محوری را می‌توان در دو زمینه سازمان‌دهی فضایی و سیمای شهری مورد توجه قرار داد. نماهای یک شهر، بخشی از سیمای کلی آن است که انتقال دهنده مفاهیم اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و بازتابنده هویت آن شهر به شمار می‌رود.

در حوزه ساماندهی نیز مسجد به‌عنوان یکی از کانون‌های اجتماعی و فضاهای شهری تعریف می‌شود؛ یکی از آشکارترین چوه هویتی جامعه و شهر اسلامی مسجد است که علاوه بر جنبه هویت ظاهری، از بعد معنوی نیز ایفای نقشی بنیادین را عهده‌دار است.

در سامان‌دهی قسمت‌های گوناگون ساختمان، به‌ویژه خانه‌های سنتی، باورهای مردم بسیار مؤثر بوده است؛ یکی از باورهای مردم ایران، ارزش نهادن به زندگی شخصی و حرمت آن و در عزت‌نفس ایرانیان نقش داشته

سپهرغرب، گروه شهر: بوگوتا، پایتخت

کلمبیا، عنوان برترین شهر بدون زباله جهان را به خود اختصاص داد.

شهر بوگوتا به دلیل تلاش‌های خود برای کاهش ضایعات در رتبه نخست شهر بدون زباله قرار گرفت. وب‌سایت جمع‌آوری کمک‌های خیریه، Savoo تجزیه و تحلیل خود را بر اساس معیارهای متعددی مانند تعداد فروشگاه‌های زباله صفر و بازارهای خیابانی مخصوص فروش اشیای ارزان‌قیمت و دست دوم (flea markets)، نرخ بازیافت و مقررات استفاده از کیسه‌های پلاستیکی انجام داد. بر اساس این مطالعه، بوگوتا، پایتخت کلمبیا، عنوان برترین شهر بدون زباله جهان را به خود اختصاص داد. شهرهای بانکوک و رم، پایتخت کشورهای تایلند و ایتالیا در رتبه‌های بعدی این فهرست قرار گرفتند.

■ **کمترین میزان تولید ضایعات غذایی**

خانگی در کلمبیا

است که این امر به گونه‌ای معماری ایران را درون‌گرا ساخته است. درون‌گرایی که حاصل محیط و جغرافیای انسانی و طبیعی است که این درون‌گرایی در جغرافیای ایران شکل گرفته است و نسل به نسل نقل شده است.

شاید بتوان درون‌گرایی را بازترین مشخصه رایعت سلسله‌مراتب دانست؛ درون‌گرایی مفهومی است که به‌صورت یک اصل در معماری ایران وجود دارد و با حضوری آشکار به صورت‌های متنوع قابل درک و مشاهده است. باید یکی از ویژگی‌های غیرقابل انکار آثار معماری و ابنیه گذشته همانند خانه، مسجد، مدرسه، کاروانسرا و حمام را خصوصیت درون‌گرایان آن‌ها دانست که ریشه عمیق در مبانی و اصول اندیشه اجتماعی و فرهنگی این سرزمین دارد.

محله‌محوری که ساماندهی شهرهای اسلامی بر اساس توسعه و بر مبنای مرکزیت آن بوده است، با تکیه بر سامان‌دهی مرکز آن از طریق ساختن ابنیه عمومی، باعث می‌شد علاوه بر تقویت مشارکت عموم در سامان‌دهی، مرکزیت عمومی شکل گیرد. ساختار محله‌ای شهرها مبتنی بر تعریف واحدهای اجتماعی با کارکردهای خاص در اندازه‌گیری‌هایی متناسب با ظرفیت روحی انسان برای ایجاد ارتباط نزدیک با دیگران و مراکز محله‌ها با میدان‌گاه‌های متناسب با جمع شدن مردم و دیدارهای اجتماعی، از دستاوردهای تمدن مسلمانان است که با فرهنگ اسلامی شکل گرفته است.

طبیعت‌گرایی، مجموعه طبیعت و اجزا و قوانین حاکم بر آن در تعالیم اسلامی به‌عنوان آیات الهی مطرح می‌شود و تفکر، تدبر و تعقل درباره ارتباط آن‌ها با یکدیگر، انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌سازد. تعالیم اسلامی این نکته بنیادین را به مسلمانان یادآوری می‌کند که تماس با طبیعت و تفکر و مذاقه در آن احساس تذکر را در انسان به وجود آورده است و بی‌شک او را به سوی شناختی بهتر و آگاهانه‌تر نسبت به اصول اساسی اسلام همچون توحید رهنمون خواهد کرد.

شهر

در گفت‌وگو با یک استاد دانشگاه بررسی شد:

شاخص‌ترین اصول حاکم بر شهرهای اسلامی

چیست؟

شهر اسلامی به طور نسبی بر اساس اصول و آموزه‌های قرآنی و نبوی ساخته شده است، ماهیتی ثابت که در هر مکان و زمان، تجلی ویژه خود را خواهد داشت؛ به عبارت دیگر شهر اسلامی ماهیتی است بالقوه که می‌تواند در هر زمان و مکانی با توجه به فناوری، مصالح، دانش، هنر و فرهنگ بومی (که با اصول و ارزش‌های اسلامی در تعارض نباشند) تفسیر شود و تجلی خاص خود را داشته باشد. شهر اسلامی ناظر به هویت اجتماعی و کالبدی شهر است و در آن روابط اجتماعی بر پایه ارزش‌های دینی سامان می‌یابد که چهره فیزیکی آن نیز باید یادآور هویت اسلامی ساکنان است.

برخی بر این ادعا هستند که اسلام واجد هنر (به‌ویژه معماری و شهرسازی) نیست و نمی‌توان هنر، معماری و شهرسازی را با صفت اسلامی نشان داد، البته استدلال‌های متفاوتی نیز مطرح می‌شود؛ به طور مثال یک استدلال این است که عرب‌های مسلمان که اقدام به فتح سایر ممالک کردند، سابقه هنر و معماری نداشتند و این معماری و هنر ممالک فتح شده بوده است که به نام هنر و معماری اسلامی معروف شد. اشکال اصلی این استدلال این است که اسلام مترادف با عرب فرض می‌شود و بدیهی است که این فرضی اشتباه است.

اشکال بارز دیگر این تفکر آن است که برخی افراد همچون کسانی که به آثار بر جای مانده از مسلمانان در ممالک اسلامی معماری و هنر اسلامی اطلاق می‌کنند، برای هر هنری، الگو و کالبدی فیزیکی و مادی ثابت و بعضاً غیرقابل تغییر قائل هستند؛ این تفکر نادرست است و با روح اسلام و تعلیم ویحانی آنکه اصولی جاوید (و نه اشکال فیزیکی مادی واحد و ثابت) را برای زندگی انسان در همه زمان‌ها و مکان‌ها مطرح می‌کند، در تضاد است.

اسلام، اصولی را مطرح می‌کند که در هر زمان و مکانی تفسیر و کالبد خاص خود را دارد و موضوع مهم وحدت، عدالت، تعادل، و هماهنگی، حفظ حرمت انسان، متذکر بودن اثر هنری، رجحان معنویت بر مادیات و رهایی انسان و نجات او از غفلت و جهالت است.

به بیان دیگر هر جهان‌بینی، مبانی و اصول و ارزش‌هایی را بیان کرده است و این پیروان و معتقدان بوده‌اند که مواد، ابزار، اشکال، قوانین و علوم هنرها را در جهتی به کار گرفته‌اند تا محیط را برای زندگی مناسب کنند و آن را با هدفی همراه سازند که مکتب مختص خودشان، برایشان تعیین کرده است.

هنر، فلسفه، علوم، معماری، شهر و لباس و روش زندگی اسلامی و مسلمانان نیز از این قانده مستثنی نیست. در واقع قوم یا فردی خاص از مسلمانان، این آثار را به وجود نیاورده است، بلکه آنچه پدیدار شده حاصل رواج و تأثیر تفکر اسلامی بوده است که ممکن است با شرایط زمانی و مکانی خاص به‌صورت تفسیر محلی و زمانی خاص ظهور و بروز کرده باشند، بنابراین امکان عدم تطبیق کامل آن‌ها با معیارهای که در مکان و زمان متفاوت ارائه می‌کند وجود دارد.

ابعاد کالبدی شهرهای اسلامی

بوگوتا؛ نخستین شهر بدون زباله جهان

بر اساس اطلاعات موتور جستجوگر گوگل، بوگوتا که در مرکز کشور کلمبیا واقع شده است، دارای ۱۷۶ بازار کوچک مخصوص

فروش اشیای ارزان‌قیمت و دست دوم است. با ممنوعیت استفاده از کیسه‌های پلاستیکی در سال ۲۰۱۷، این شهر کلمبیا با تولید ۲۴۱۴ میلیون تن زباله در سال، به یکی از کشورهای با تولید کمترین میزان زباله‌های پلاستیکی تبدیل شد.

این کشور با تولید سالانه تنها ۷۰ کیلوگرم ضایعات غذایی خانگی، کمترین میزان تولید این نوع زباله‌ها را به خود اختصاص داد. شهر بانکوک دارای ۱۹۲ بازار خیابانی مخصوص فروش اشیای ارزان‌قیمت است و تایلند ۱۹ درصد زباله‌های شهری خود را بازیافت می‌کند. این کشور استفاده از کیسه‌های پلاستیکی را در سال ۲۰۲۱ ممنوع کرد.

■ **اسکوپیه شهر زباله صفر جهان**

سایت جمع‌آوری کمک‌های خیریه Savoo

تعیین کرده است که کدام شهرها برای حرکت به سمت زباله صفر، بدترین و کدامیک بهترین رتبه را دارند.
براین اساس شهر اسکوپیه در مقدونیه شمالی در رتبه نخست این فهرست قرار دارد. اسکوپیه که به سمت زباله صفر حرکت می‌کند، تنها هشت بازار خیابانی مخصوص فروش اشیای ارزان‌قیمت دارد و نرخ بازیافت آن کمتر از یک درصد (۰٫۲ درصد) است.

■ **کشور برتر برای بازیافت زباله‌های**

خانگی

پنج کشور برتر برای بازیافت زباله‌های خانگی شامل سنگاپور (۶۱ درصد نرخ بازیافت)،کره جنوبی (۵۸ درصد)، ایسلند (۵۶ درصد)، اسلونی (۵۲ درصد) و آلمان (۴۸ درصد) می‌شود.

■ **خرید بدون پلاستیک**

محبطین سایت Savoo میانگین هزینه سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های ضایعات صفر



خبر

ورودی‌های شهر همدان، روایت کاملی از سوء تبلیغ فرهنگی

کامیار عباس سریشی

آنچه شما در ابتدای ورود به یک شهر می‌بینید در اصل شالوده و سنگ بنای ذهنیت‌پردازی و دورنمای قضاوت و تحلیل شما را درباره تمامی خصوصیات فرهنگی، علمی، صنعتی و مردمان آن پی‌ریزی کند. چه‌چیز باعث می‌شود تا ما نسبت به یک محصول، فرد، فکر، ایده و یا شهر و کشور علاقه نشان داده و متعاقباً گرایش و نگاه مثبت پیدا کنیم؟

آیا تابه‌حال با خود فکر کرده‌اید چرا مغازه‌هایی که دارای ویترین‌های شیک و زیبایتری هستند بیشترین جذب مشتری را هم دارند؟

چرا یک کتاب هرچند با محتوای ضعیف اما صرفاً با دارا بودن جلد صحافی و صفحه‌بندی زیبا بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد؟

یک انسان خوش‌برخورد و شیک‌پوش در منظر شما چگونه ارزیابی می‌شود؟

یک شهر و یا کشور زیبا و خوش آب و رنگ چطور؟

و اینکه آیا این صحبت عوام را قبول دارید که مردم عقلشان به چشمشان است؟

و اما جداً از موضوع زیبادوستی که در فطرت همه ما انسان‌ها به گونه خود خود و یا عبور از آن یا به دلیل تأثیر قوه بصری بر ادراک این زرق و برق و جلوه زیباست که همیشه جاذب چشم، فکر و دل بشر بوده و هست. در حقیقت بسیاری از برداشت‌ها و ذهنیت‌پردازی‌های ما نیز حاصل همین دریافت‌های بصری است. گاه یک نگاه گذرا حتی بدون دقت کردن و تماس از نزدیک با هر عنصر جذاب و زیبا کافی است تا فکر شما را وادار به ذهنیت‌پردازی و در نهایت قضاوت در رابطه با آن موضوع کند و طبعاً تعمیم دادن‌های نادرست نیز شاید روه‌آورد همین رویه است.

■ **و اما شهر ما...**

و اما شهر همدان با ریشه و تاریخی چندهزارساله به‌نوعی دروازه تاریخ ایران‌زمین محسوب می‌شود. شهری که در گذر زمان معبر و مقصد بی‌شمار مسافراتی بوده که گاه به عزم خود شهر و یا عبور از آن یا به جاده و راه گذاشته‌اند. شهر ما، شهری است دارای پیشینه تاریخی بسیار کهن، موطن و مدفن بسیاری از بزرگان علم و ادب معروف و نام‌آور جهان چون بوعلی سینا، باباطاهر، عین‌القضات ...و

همدان شهری است با قدمتی به تاریخ ایران، مزین به گنجینه گنجنامه، به طراوت و خنکای عباس‌آباد، با شکوه الموند و شگفتی جهانی علیصدر، اینجا شهری است که در لابلاین آن خاک مبدل به کیمیا می‌شود و میل و ملون ملایر آن را کشورهای دوردست راه یافته و صالبلته بسیاری دیگر ازاین دست زیبایی‌های خدادادی که هرکدام نگینی است بر تارک این شهر زیبا و ریشه‌دار.

بااین حال اما چرا به‌رغم مالکیت این‌همه مؤلفه‌های جاذب مادی و معنوی و متعاقباً سبیل گردشگر که هرساله نیز به تعداد آن‌ها افزوده می‌شود، در موضوع رتبه‌بندی صنعت گردشگری و جذب توریست هنوز توانسته‌ایم آن‌گونه که باید و شاید جایگاه در خور شانی میان همه اماکن توریست‌پذیر پیدا کنیم هنوز یک پرسش بی‌جواب است. آیا تاکنون از خود سؤال کرده‌ایم که چرا علی‌رغم این‌همه مواهب الهی بیشتر معبر گردشگری هستیم تا مقصد گردشگری؟ و ده‌ها چرای دیگر ازاین دست که خود حدیثی است بی‌پایخ.

البته ممکن است عده‌ای با ارائه پاسخ‌های کوتاه در قالب موضوعاتی چون ضعف مدیریت و تبلیغات در حوزه گردشگری کمبود داشته و هزینه سنگین هتل و مسافرخانه، فقدان امکانات رفاهی و ده‌ها دست از این‌ا اما و اگر به‌دنبال توجیه و پاسخ‌سازی برای آن موضوع باشند اما باین حال شاید یکی از مهم‌ترین مواردی که تاکنون اصلاً به آن توجه نشده و حتی در برنامه‌ریزی‌ها به‌حساب هم نیامده موضوع برداشت‌هایی است که در اولین برخورد و نگاه از سوی مسافران و رهگذاران در خصوص مداخل شهر ما به ذهن آن‌ها خطور کرده و ترسیم می‌شود.

اینکه برای درک این موضوع هم کافی است تا مثل «شهری که نکوست از دروازه‌اش پیداست» را کمی در ذهن خود مرز-مرزه کنید زیرا با نگاهی به تاریخ و تورق کتاب فرهنگ گردشگری به‌وضوح مشاهده می‌شود که در گذشته‌های دور به‌طور معمول و مرسوم هر شهر دارای در و دروازه‌هایی بوده که نه‌تنها صرفاً یک مدخل برای شهر بلکه به‌نوعی معرف و شناسه تمدنی، علمی، هنری، فرهنگ و... آن شهر و ساکنان آن نیز محسوب می‌شده که در همان نگاه نخست و بدو ورود پیام‌ها و تعاریف مشخصی را به تازه واردان القا و ارائه می‌کرده است.

واقع آنچه شما در ابتدای ورود به یک شهر می‌بینید در اصل می‌تواند به‌عنوان شالوده و سنگ بنای ذهنیتی دور نمای قضاوت و تحلیل شما را درباره همان شهر و تمامی خصائص فرهنگی، علمی، صنعتی و مردمان آن پی‌ریزی کند. حقیقتی که همه ما به‌نوعی به آن آذغان داشته و داریم و معتقدیم شواد دیداری را هر شهر به‌نوعی بیانگر سواد فرهنگی آن شهر است ولیکن!...

اما حالا ما به رغم آنکه قریب به سه دهه است که از شروع برنامه توسعه شهری همدان می‌گذرد و هر روزه نیز شاهد افزایش حجم گسترده خودروها و مسافران در مسیرهای منتهی و گذر از آن هستیم اما ظاهراً هیچگاه این مؤلفه‌ها محل اعرابی برای برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران و متعاقباً مدیران اجرایی (چه در بحث گردشگری و چه شهرسازی) نداشته است؛ زیرساخت‌ها و ویترین‌هایی که قطعاً از روه‌آورد ایجاد و نی‌سازی آن‌ها نیز تعداد زیادی از هموطنان و یا گردشگران خارجی به‌وجود به شهر همدان و با گذر از آن می‌توانند درباره شهر ما به قضاوت پرداخته و حتی به‌نوعی معرف آن در اذهان دیگران نیز باشند. در حالی‌که همین افراد می‌توانستند طی این مدت به‌عنوان اولین پیک‌های تبلیغی و پیاده‌نظام بی‌جیره و موابج ما جهت جذب گردشگر اقدام کنند. آیا هیچ فکر کرده‌اید که طی این ده‌ها سال گذشته و در نخستین نگاه از شهر ما چه دیده می‌بینند؟ آیا تاکنون از منظر مردم و با عینک یک توریست و گردشگر وطنی به شهر خود نگاهی نقادانه و منصفانه انداخته‌ایم؟

موضوع این است که شهر همدان بیش از سه ورودی اصلی ندارد اما طی همین سه دهه که از پویش توسعه شهر می‌گذرد، همین ورودی‌ها هم نه‌فقط شاهد توسعه، پیشرفت و یا تغییر قابل ملاحظه‌ای نبوده بلکه در گیر و دار ایتال‌ها به یک بیماری لاعلاج به نام بی‌سلیقهگی، بی‌هنری، مسئولیت‌شناسی، بی‌توجهی و فراموشی و یا شاید هم حواله دادن‌های اداری گرفتار آمده و در حال حاضر جزنگ فرسودگی، تخریب و فرسایش به خود نگرفته‌اند و به معنای واقعی تبدیل به یک ضد تبلیغ و پیام نامیدکننده شده‌اند.

عجیب‌وغریب، آسفالت‌های از بین رفته، گارد ریل‌های فرسوده، جداول شکسته، کیوسک‌های مخروبه و ناهنجار، موانع غیر استاندارد و خطر‌ساز و مغازه‌هایی که بیشتر باعث شرمساری‌اند تا سربلندی و البته در کنار آن نبوده هر گونه‌المان، تابلو و یا نماد که معرف آثار تاریخی و فرهنگی، و نه حتی یک مرکز رفاهی مناسب با شأن مسافران... و متأسفانه این تمامی حرف و توانایی‌های ماست که در این سال‌ها و در اولین برخورد در مقابل چشمان مسافران به نمایش گذاشتیم بدون توجه به تمامی محاسن و جاذبه‌های گردشگری شهری که دروازه تمدن ایران است.

حال قضاوت کنیم وقتی که قریب به ده‌ها سال است که این مناظر ناخوشایند در اولین لحظه معرف شهر ما بوده و احتمالاً نیز در آینده خواهد بود پس چگونه می‌توان انتظار داشت که صنعت گردشگری همدان جاذب و یا محور و مرکز توریسم و گردشگر محسوب شود؟

به راستی جای سؤال است که چرا در موارات میلیاردها ریال هزینه جهت ساخت پروژه‌های کم‌بازده و بلااستفاده تاکنون تلاش مؤثر وفرهنگ محوری در خصوص ساخت تجهیز و یا ترمیم و زیباسازی ورودی شهرمان به‌عنوان دروازه شهر تمدن نداشته‌ایم؟ چرا گاهی فراموش می‌کنیم که کتاب همدان بدون جلد زیبا توجه کسی را جلب نمی‌کند؟ اصلاً تاکنون دقت کرده‌اید چرا شهر ما سال‌هاست که فاقد ویترین فرهنگی، هنری، تاریخی و... است؟

این نه یک نظریه ساده‌انگارانه بلکه یک حقیقت غیر قابل انکار و ثابت شده است که یک ورودی زیبا، وسیع و مجهز در ذهن تازه واردها می‌تواند باعث ذهنیت‌سازی‌ها و قضاوت‌های بسیار مثبتی باشد که شاید بسیاری از این ساخته پرداخته‌های ذهنی به‌صورت حقیقی و ملموس در آن شهر وجود نداشته باشد اما چه می‌توان کرد که روزگاری شده که واقعاً عقل مردم به چشمشان است و سطر اول دفترچه خاطرات گردشگری بسیاری از مسافران خارجی و داخلی از شهر ما نیز در همین ورودی‌های فراموش‌شده شهر نوشته و پی‌ریزی می‌شود.

این یک حقیقت غیر قابل انکار است که در حوزه الفبای تبلیغات گردشگری اولین حرف یا همان ورودی که معرف زیربنای فرهنگی شهر ما نیز محسوب می‌شود در این سال‌ها به‌صورت جدی مورد توجه و تأکید نبوده و بدتر اینکه در بازی محول کردن به دیگری و فراموشی قرار گرفته، صرفاً از این باب که برخی فکر می‌کنند شهر را فقط باید درون شهر دید و نه بیرون آن و یا نهاد دیگر متولی این کار است.

گرچه امروز قصد آن نداریم تا نوک پیکان انتقاد و کار کاری را به سوی سازمان‌ها و ارگان‌ها و حتی مدیران شهری و متولیان گردشگری بگیریم یا این حال باید قبول کنیم که در این سال‌ها با بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به این اصل به‌ظاهر ساده در حوزه توریست بیشتر دافعه داشته‌ایم تا جاذبه گو اینکه مثل دیگری نیز هست که می‌گوید از هرکجای ضرر که برگردی منفعت است. پس شاید اکنون وقت آن رسیده تا این نقطه ضعف یک بار و برای همیشه و با لحاظ نمودن جایگاه و ارزش آن از سوی مدیران و متولیان مورد بازبینی و بازخوانی قرار گرفته و ارزش مکانی این محبت به میز انتقاد بحث ورود پیدا کند.

رو تزه‌ای آینده بهار خواهد رسید و سیل مسافران نوروزی به شهر ما آمده و با پس از لختی درنگ و شوهرکردی از آن عبور خواهند کرد. چه بسیار نیکوست که با تدبیری به‌جا و شایسته، استان و شهر دیرپای خویش را با همتی بلند به قطب واقعی و در شأن و خور گردشگری تبدیل نماییم و یقیناً بدانیم قدم نخست ما در این راه ایجاد و ارائه مدخل و دروازه‌ای زیبا از تاریخ و چشم‌اندازی باشکوه از موارث ارزشی شهر بوعلی و باباطاهر در نخستین نگاه مسافران و پیک‌های تبلیغی انسانی است.